

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارش ها

گزارشگران پورتال – افغانستان

۱۸.۰۷.۱۰

در افغانستان چه می گذرد؟ (۷۷)

امریکایی ها چون روسها در افغانستان ملیشه سازی می کنند:

اینک میان جنرال پتریوس قومندان عمومی ناتو در افغانستان و کرزی بر سر تشکیل نیرو های اربکی جنجالی به میان آمده که در مطبوعات داخلی و خارجی انعکاس وسیعی داشته است. چون جنرال پتریوس به عنوان قومندان کل نیرو های اشغالگر تصمیم به تشکیل نیرو های اربکی و یا ملیشایی در بسیاری از نقاط افغانستان دارد و این تجربه را این جنرال در جریان اشغال عراق به دست آورده است. زیرا این جنرال میخواهد تا بعد ازین توده های مردم افغانستان را در برابر مزدوران طالب شان قرار دهند و خود نظاره گر صحنه باشند.

نیروی اربکی در افغانستان از سالهای دور وجود داشته است. در آن زمان این نیرو ها بیشتر مختص چند ولایت معدود جنوبی افغانستان بود که به نیرو های مسلح قومی اطلاق می شدند و در زمان نادر خان که به وسیله آنها توانست حکومت حبیب الله کلکانی را بشکند، امتیازات بسیاری داده شد و از عسکری معاف شدند. این نیرو علاوه به زندگی عادی روز مره در موقع ضرورت تفنگ های خود را از خانه برداشته و به مسایل خاص قومی و یا جدل های مرزی شرکت میکردند و تا حال نیز این کار را انجام میدهند.

دولت های وقت ازین نیروی مردمی که نه معاشی داشتند و نه امتیازات خاصی، در مواقع ضروری مقداری مهمات جنگی در اختیار شان قرار داده، در کنار نیرو های امنیتی از آنها استفاده می کردند. اینان که نه معاشی داشتند و نه توقع خاصی از دولت، بدون اجازه فرماندهان رسمی نظامی حق مداخله در امور امنیتی و نظامی کشور را نداشتند و به این صورت یک مکانیزم خاصی در میان این نیرو و نیرو های امنیتی دولتی در آن زمان در جنوب وجود داشت و گاهی میان شان جنجال به وجود نمی آمد.

بعد از کودتای هفت ثور و به قدرت رسیدن مزدوران حزب دموکراتیک خلق، بیشتر در زمان حفیظ الله امین اصطلاح «ملیشه» در فرهنگ نظامی افغانستان وارد شد و دولت مزدور سوسیال امپریالیزم کوشش کرد تا با استفاده ازین نیروی شبه نظامی و یا ملیشه، اقوام را در برابر هم قرار دهد. تیریکه به هدف نخورد و وردکی ها که

برای سرکوب هزاره ها مسلح شده بودند، میل های تفنگ شان را به سوی خود دولت دور داده و ضربه سختی به دولت پوشالی زدند.

اما بعد از تجاوز روسها به افغانستان و مخصوصاً در زمان مسؤولیت استخباراتی و سرجاسوس روسها، داکترنجیب الله بار دیگر ملیشه سازی را در افغانستان آغاز کردند و این بار گروپ های کنترل شده ملیشیا به رهبری افراد مزدور و جنایتکاری چون دوستم، جبار، خانو، رئیس سیداحمد، عصمت مسلم، منصور، قومندان صمد و غیره در نقاط مختلف افغانستان ساخته شدند و با خشونت و چپاول هرچه تمامتر در مقابل جهادی ها جنگیدند و به این خاطر برخی ازینان از دولت وقت لقب «قهرمان» را گرفتند.

در کنار این ملیشه ها نیرو های دفاع خودی نیز در زمان قدرت دولت مزدور شکل گرفتند، اما نیروهای ملیشه که تا حد زیادی مستقل عمل میکردند، چنان به چور و چپاول دست زدند و روز تا روز چنان رشد نمودند که بالاخره از کنترل دولت نجیب خارج شده و به یکی از عوامل سقوط او مبدل گشتند. با آمدن نیرو های امریکائی و ناتو به افغانستان، شکل گیری نیروی مسلح مردمی که نه نام ملیشیا و نه نام اربکی را بر خود داشتند، در شرق افغانستان شکل گرفت. این نیرو که مثلاً در شرق به نام شاهین یاد میشوند و در کنر ها فاقد نام اند و در هلمند کماندوی مخصوص میگویند، یکجا با نیرو های امریکائی و حتی سپیشیل فورس امریکا عملیات میکنند و جزئی از نیرو های مزدور امریکا نه نیروهای امنیتی افغانستان به حساب می آیند. برخی از آنها چنان جنایتکار اند که مردم بیشترین اعتراض را بر کار کرد آنان داشته، جزئی از جنایتکاران اشغال می نامند.

با اینکه قبل از آمدن جنرال مک کریستال و پیاده کردن طرح هایش در مورد مسلح سازی گروپ های مزدور مردمی در خوست، یک گروپ ۴۰۰ نفری در وردک نیز سازماندهی شد که تا حدی در تأمین امنیت برای امریکائی ها مشغول بودند، اما اخیراً در کندز نیز چنین نیروئی به نام اربکی شکل گرفت که گرچه تا حدی از سوی نیرو های امنیتی نامهار اند، مگر در مقابل با طالبان در ولسوالی های چهاردره، ارچی و امام صاحب این ولایت مقداری نقش بازدارنده پیشروی طالبان را بازی کرده و امریکائی ها از آن ها راضی میباشند، اما مردم این مناطق این اربکی ها را که بیشتر از افراد لومین تشکیل شده، حتی نسبت به طالبان هم جنایتکار می دانند و امروز بخش اعظم جنگ را درین ولایت آنها به پیش میبرند.

حنیف اتمر وقتی کرسی وزارت داخله را به دست گرفت، رسماً تشکیل نیرو های ملیشیائی زیر نام نیرو های حمایت از پولیس را در سر تا سر افغانستان اعلان نمود و گفت که در هر ولایت ۴۰۰ نفر ازین افراد را سازماندهی خواهد کرد، اما با واکنش شدید گروه های شمال رو به رو شد، تا حدی که این گروه ها در رسانه ها از عدم حمایت خود از پروژه دایاک سخن گفتند و قومندانان پنجشیری گفتند که به توزیع سلاح خواهند پرداخت. زیرا گروه های شمال تشکیل این نیرو را از سوی وزارت داخله، مسلح کردن پشتونها و خلع سلاح نیرو های خود تفسیر نمودند و به این ترتیب اتمر به شدت ترسید و از تعقیب آن سیاست دست کشید.

اما جنرال مک کریستال که با تجربیات اشغال عراق قومندانی جنگ در افغانستان را به عهده گرفت، تصمیم به ساختن ملیشه در هر قریه و قصبه را داشت و اینکه چگونه کرزی با او هماهنگ شد همه میدانیم که او باشه سر دستی بیش نیست اما حال که جنرال پتریوس تصمیم به عملی نمودن طرح ساختن اربکی یا ملیشه را در دهات افغانستان مطرح میسازد، کرزی با آن مخالفت کرده، خواهان ازدیاد در صفوف اردو و پولیس ملی میباشد اینکه کرزی چون فرد پوشالی میتواند در برابر پتریوس بایستد، بیشتر مردم آنرا شگردی از سوی امریکائی ها میدانند تا فکر شود که او رئیس جمهور واقعی و فرد مستقل میباشد. اما این را کرزی میداند که نیروی حمایتی شبه ملیشیا که

حتی نام آن هم در افغانستان به شدت بد و مورد نفرت مردم قرار دارد، اگر به صورت موقت میتواند در به میان آوردن امنیت نقش داشته باشند، اما در دراز مدت چنین نیروی درد سرهای بسیاری را خلق خواهد کرد، مخصوصاً اگر امریکائی ها از حضور خود در افغانستان بکاهند و کمک های پولی خود را کاهش دهند و کنترل این نیرو برای دولت او بسیار مشکل خواهد شد و همچنان امکان پیوستن این نیرو ها که به شکل کتله های قومی در دسته های مسلح جا میگیرند، در میان مدت به نیرو های طالب دور از امکان نیست و در درازمدت به عنوان نیروی باجگیر از دولت مبدل خواهند شد، مخصوصاً که کرزی آزمون بدفترجام ملیشه سازی داکتر نجیب الله را پیش چشم خود داشته و از مخالفت گروه های شمال نیز درین زمینه به شدت هراس دارد. اما با تمام این مخالفت های کرزی، بسیاری به این باورند که چنین نیروی در بسیاری از مناطق افغانستان ساخته خواهد شد، زیرا در ماه اخیر تلفات نیروهای خارجی در افغانستان به ۱۰۳ نفر رسید که گراف بسیار بالائی را نشان داد و چون پتریوس گفته بود که وظیفه اش در افغانستان نه تنها کاهش تلفات ملکی ها که کم کردن تلفات نیرو های ناتو هم خواهد بود و با سیاست اربکی و ملیشه سازی بار جنگ بیشتر بر دوش خود افغانها گذاشته خواهد شد که منجر به کاهش تلفات اشغالگران خواهد شد لذا این کار را چه کرزی بخواهد چه نخواهد عملی خواهد ساخت .

فرهنگیان شرف باخته و دولت ایران:

دولت خونریز ایران که در سی سال گذشته در کنار مزدوران خونریز جنگسالار مزدوران فرهنگی شان را نیز پرورش داده که از جمله رهنورد زیربای یکی ازین شرفباختگان است که از تولدش رژیم ایران در کابل و تهران تجلیل میکند، اخیراً تیمی ازین فرهنگیان بی فرهنگ و بی جبهه را به تهران دعوت کرده که تعداد شان به سی نفر میرسد. در نشست که لاریجانی با این گروه سی نفری داشت با ادای بادر مناشانه در حالی آنان را «افغانی» خطاب کرد گفت که «شما باید در داخل کشور خود مبارزه کنید به خاطریکه امریکائی ها وطن شما را اشغال کرده و دولت شما مزدور میباشد و شما فرهنگیان زیر اشغال هستید» با اینکه در گفته های لاریجانی واقعیتی انکار نا پذیر وجود دارد، اما تشویق مبارزه برای فرهنگیان بی احساس و مزدوری چون این سی نفر از سوی سردمدار رژیم مستبد آخندی ایران نه به این خاطر این که بی جبهه ها را برای مبارزه آماده کند، بلکه برای تحقیر آنان بوده با بی زبانی و یا زبان درازی برایشان گفته شده که شما ادمکهای بی ارزشی هستید و این ما هستیم که به شما دستور میدهم و در حالیکه همه میدانیم که در ایران هیچ فرهنگی انقلابی و وطنپرستی را این رژیم یا زنده نمانده و یا اگر زنده مانده از ترس دولت ایران در خارج به سر میبرند. بهرام راد، سعید سلطانپور، سعید سیرجانی، هما دارابی، جعفر پوینده و غیره از کسانی اند که به وسیله این رژیم سر به نیست شده و اکنون این فرهنگیان شرف باخته میروند و با سر دمداران این رژیم در خُش و بش قرار میگیرند و نان و نمک آن را میخورند و ظاهراً میگویند که ما به سیاست کاری نداریم اما درین جا به دنبال پول های ایران و اشغالگران امریکائی پا لچ میدوند و در وطنفروشی و ریزه خواری هیچ مرز سیاسی را نمی شناسند. در صورتی که سردمداران رژیم ایران به این باور که دولت کابل پوشالی و مزدور است میرسیدند، اینقدر در نزدیکی با کرزی قرار نمیداشتند و ماهانه یک و نیم میلیون دالر جای پولی ارگ کرزی را نمیدادند و سفیر ایران در کابل نمیگفت که ما در عالی ترین سطح روابط با دولت افغانستان قرار داریم.

با این که بوی این تحقیر ها در رسانه های افغانستان راه پیدا کرد و زنگ خطر تلویزیون طلوع که خود همیشه با ایران در «برادری» قرار دارد و زیربای بیگانه پرست را در آغوش خود دارد، اما در یک درامه نشان داد که این مزدوران چگونه به پای بادران ایرانی شان می افتند و چنلی آنها را میخورند و این برنامه بسیار مورد استقبال مردم

قرار گرفت، اما برخی ازینان از جمله احمد سعیدی که آدم به شدت پست و بیمایه ای است، بعد از برگشتن از ایران خود را قهرمان معرکه نشان داده و ازینکه در برابر لاریجانی چند کلمه صحبت نموده خود را در هر جایی پهلوان پنبه معرفی مینماید و او که روزی از وطنفروشان خلقی بود، حال برای شهرت و کسب پول از هیچ بی شرافتی دریغ نکرده و حتی در کنفرانس گلبدینی ها در مالدیو هم شرکت کرد و در برگشت حیثیت سخنگوی این جلسه را هم گرفت. هاشم عصمت الهی که در کابل مشهور به جاسوس ایران است، نیز درین جلسه شرکت داشته و به یکی از ایرانی ها گفته یود که ناموس ما را شما نگه کردید و این هم بر روح بعضی از پهلوان پنبه های دیگر بی جبهه مقداری اثر بد مانده و گفته بودند که ما ناموس خود را نگه کردیم نه ایرانی ها و به این خاطر این افراد در برگشت بسیار «قهرمان» نمائی میکردند. اما اینکه چگونه مثل تازی با یک اشپلاق ایرانی ها به تهران می دوند این را چیزی نمیگویند و هرگز توبه نمیکشند که دیگر به این کشور نروند.

ایران در افغانستان از هر کشوری بیشتر مزدور و چاکر فرهنگی دارد و به این خاطر هر مسأله را درین رسانه ها خوب میتوانند سازمان دهی کنند و هر وقت دلشان بخواهد این فرهنگیان مزدور را به پیش پای خود دعوت کنند. جالب این که برخی ازین شرف باخته ها چندی قبل که اعلان شد ایرانیها سه هزار افغان را اعدام میکنند، با گلو پارگی و دهن پارگی خاصی ایران را دشمن افغانها میخواندند و اما وقتی اشپلاق دعوت ایران به صدا در آمد اول همین ها خود را به تهران رساندند تا از عنایات دولت مذهبی و فاشیست ایران عقب نمانند.

امریکائی ها کرزی را وسیله به اصطلاح سازش با طالبان قرار می دهد:

اخیرا که کرزی جرگه مشورتی صلح را بر گذار کرد، اعلان نمود که تلاش خواهند کرد تا برخی از افراد طالبان را از لست سیاه حذف کند تا اینان بتوانند در آینده یکجا با کرزی دولت ائتلافی بسازند. کرزی قبلاً نام ها جنایتکارن پستی چون متوکل، ملا ضعیف، ملا مجاهد، ملا خاکسار را زاین لست حذف کرد و حال برای شورای امنیت پیشنهاد حذف ۲۵ نام دیگر سرگردگان جنایتکار طالب را نموده است. برخی ها به این باورند که کرزی نام پنجاه نفر را داده است و از جاییکه همه میدانیم که کرزی بدون اجازه بادران امریکائی اش آب خورده نمیتواند، چگونه دست به این کار زده است، برای همه روشن میسازد. چون امریکائی ها در گذشته لاف های زیادی برای از بین بردن طالبان زده و حال که میخواهند این مزدوران خود را بیشتر کنترل کنند و با دولت یکی بسازند، خود نه بلکه عامل خود، کرزی را مامور این کار می سازند. این پیشنهاد در حالی صورت میگیرد که روز گذشته ۲۸ تن از جنایتکاران طالب به نام ناروشن بودن دوسیه های شان از حبس رها و همه میدانند که این طالبان به زودی با رفقای خود می پوندند. این رهائی در حالی صورت میگیرد که بر رسی یکی از سازمان های حقوق بشری نشان میدهد که در شش ماه گذشته بیش از ۱۰۷۰ نفر از افراد غیر نظامی در افغانستان به قتل رسیده اند که ۶۰ درصد آنان به وسیله طالبان و ۴۰ درصد دیگر توسط نیرو های اشغالگر به قتل رسیده اند. با این رهائی ها صفوف طالبان بیشتر تقویت میگردند و جنگ شدت بیشتری میگیرد، چیزیکه امریکائی ها اکنون به دنبال آن میباشند.

اختلاف میان خاندان کرزی:

اخیراً روزنامه باختر که مربوط به محمود کرزی برادر کرزی است، طی مقاله ای نوشته است که حکمت کرزی پسر کاکای کرزی در مورد خاندان آنان چیز های نادرستی را به خورد مطبوعات داده است. محمود کرزی میگوید که او به دروغ ملاقات کرزی با سراج الدین حقانی را به رسانه ها گفته است و اینکه مدعی داشتن دو ماستری است

دروغ میگوید و او در هیچ جایی تحصیلات ماستری را به سر نرسانده است و برادران کرزی معتقد اند که در مورد احمد ولی کرزی نیز این آدم به رسانه های خارجی خبر داده و دروغ هائی را قطار کرده است. به این صورت روز تا روز در درون خاندان کرزی این اختلافات دامن میخورد. مخصوصا که بعضی از وابستگان خانوادگی کرزی با داشتن کمپنی های امنیتی و چپاول دارائی های مردم در بد نام کردن خاندان بد نام کرزی نقش بیشتری داشته اند و حال با این مقاله و اظهار نظر ها تلاش صورت میگیرد تا افراد مخل فساد و افشاء کنندگان خود را با امکاناتی که دارند از صحنه خارج بسازند، بهائی که نه چندان دور حکمت کرزی خواهد پرداخت.

انفجار مین و تلفات گسترده:

از چندی به اینسو که قوای قهار امریکائی در بیشتر نقاط افغانستان جا به جا شده و طالبان در جاهای بسیاری قدرت رویارویی با امریکائی ها را ندارند، طالبان از مین درین جنگ استفاده کرده و گفته می شود که بیشتر این مین ها از ایران به طالبان داده میشود و خود طالبان نیز به ساختن مواد منفجره از کود های دای امونیم نایتريت مبادرت میورزند و به این صورت اکثر تلفاتی که انگلیس ها و امریکائی ها در جنگهای اخیر متحمل شده از اثر جاگذاری این مین ها بوده است. اکنون دولت ایالات متحده کورس های مقابله با مین را در مزار شریف باز کرده که گفته میشود تا حال ۵۵۰ نفر از نیروهای پولیس و اردو این کورس را با موفقیت پشت سر گذاشته اند، با آنهم امریکا تصمیم دارد تا وسایل و ابزار ضد مینی که بسیار پیشرفته است به ارزش سه میلیارد دالر وارد افغانستان بسازد و اینکه این ابزار در مهار و نابود سازی مین ها چقدر موثر خواهد بود، باید در عمل دید. درعین حال از ولسوالی گرمسیر ولایت هلمند خبر میرسد که به تاریخ ۱۱ جولای در اثر انفجار مینی که در بین بازار این ولسوالی در اثر جابه جایی مواد منفجره بر بایسکلی رخ داد ، ۲۱ تن از افراد ملکی را زخمی ساخت.